

تبیین مؤلفه‌های "دلبستگی به مکان" در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم پذیری آن نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز*

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۸
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۰/۳

لیلا رحیمی** - مجتبی رفیعیان*** - محمد باقری****

چکیده

مقاله حاضر در برخورد با مسأله تضعیف پیوند انسان-مکان، در تلاش است تا ضمن بررسی نظریات و چارچوب سه گانه مدل «دلبستگی به مکان» (فرد، فرآیند، مکان)، به دو سؤال اصلی زیر پاسخگو باشد: ۱- نحوه سنجش مدل دلبستگی به مکان چگونه هست؟ ۲- برای ارتقاء دلبستگی ساکنین به محله‌های مرکزی، کدام بعد دلبستگی بیشتر تأثیرگذار است؟ هدف تحقیق، ارائه مدل دلبستگی به مکان، نحوه سنجش ابعاد آن و تأکید بر ارتقاء میزان دلبستگی ساکنین به محله‌های مرکزی بیشتر از مقیاس شهر می‌باشد. مدل دلبستگی به مکان، در سه شکل (افراد، ابعاد و مناطق) متفاوت و تعمیم‌ناپذیر و در آیتم‌های موجود در ابعاد آن (سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری)، تعمیم‌پذیر می‌باشد. تحقیق به روش پیمایشی و تطبیقی در دو مقیاس محله و شهر، به شیوه پرسشنامه در میان ساکنین محله مرکزی تاریخی (سرخاب) شهر تبریز انجام گرفت. یافته‌های آزمون نشان داد که میزان شناخت، عاطفه و در کل دلبستگی در مقیاس شهر بیشتر از محله می‌باشد. یافته‌های این تحقیق تأکید بیشتری بر مقیاس محله نسبت به مقیاس شهر با هدف ارتقاء دلبستگی ساکنین به محله مرکزی دارد. بررسی‌ها در میان ابعاد مدل دلبستگی به مکان آشکار کرد که برای هر دو مقیاس محله و شهر، میزان بعد شناختی بیش از میزان بعد عاطفی می‌باشد. برای ارتقاء دلبستگی به محله، شناخت محله بیشتر تأثیرگذار است. در این میان عوامل فردی نیز همچون گروه‌های سنی، جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات ارتباط سازگاری را با میزان دلبستگی به محله و شهر ارائه می‌دهند. نتایج این یافته‌ها علی‌رغم نظریات رایج بیشتر مطالعات، با هدف ارتقاء میزان دلبستگی به محله‌های مرکزی و پایداری آن، توجه بیشتر متخصصین و برنامه‌ریزان شهری به بعد کالبدی محله و تقویت تصویر ذهنی ساکنین از محله می‌طلبد.

واژگان کلیدی: دلبستگی به مکان، تعمیم‌پذیری، عوامل فردی، محله، شهر.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «مقیاس مکان و دلبستگی: ارزیابی تأثیر مقیاس مکانی بر مدل دلبستگی ساکنین، نمونه موردی: محله سرخاب و شهرک رشدیه شهر تبریز»؛ با راهنمایی جناب آقایان دکتر مجتبی رفیعیان و دکتر محمد باقری در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز می‌باشد.
** دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
Email: l.rahimi@tabrizu.ac.ir

*** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
**** استادیار گروه معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

مقدمه

اهمیت روان‌شناسی مکان‌ها، اغلب بر این استوار است که فعالیت‌ها و معانی، مهم‌ترین مفاهیم در خلق حس مکان برشمرده می‌شوند. «زندگی روزمره افراد، محدود به فضاهای مختلفی چون شهر، خیابان، بنا و اتاقی است که در آن زندگی می‌کنند. این مکان‌ها بخش مرئی زندگی فرد هستند. در حالی که وی از آن آگاه نیست. مکان‌ها خلق می‌شوند و معنا می‌آفرینند ولی افراد از کنار آن می‌گذرند» (Dovey, 1999). دل‌بستگی به یک موضوع مثل شیء، مکان، فرد و سایر موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره خود با آن رو به روست؛ مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد می‌باشد. چرا که افراد بر این اساس طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از «خود»، ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود با موضوعی نو را بر پایه این طرح، ادراک، ساماندهی و طبقه‌بندی نموده و به خاطر می‌سپارند (Daneshpour et al., 2009).

آن چه در شهرها، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد، تأثیر مکان کالبدی بر احساس و عاطفه انسان است. توجه علمی بیشتر به مقوله دل‌بستگی به مکان در سال‌های اخیر، بخشی به دلیل آگاهی از این مطلب است که پیوند انسان مکان با جهانی سازی، جابه‌جایی و نقل و انتقال مکانی و تجاوز مشکلات محیطی، در حال تضعیف شدن است (Sanders et al., 2003; Sennett, 2000). بنابراین هدف اصلی و اولیه تحقیق ابتدا، ارائه مدل سه‌گانه دل‌بستگی به مکان (فرد، فرآیند، مکان) می‌باشد که فرآیند مدل، سه فرآیند شناختی، عاطفی و رفتاری را شامل می‌شود. عوامل فردی و مکانی نیز بر این مدل تأثیرگذار می‌باشند. هدف دوم نحوه سنجش ابعاد مدل به شیوه پرسشنامه مشمول بر دوازده آیتم در دو مقیاس محله و شهر، و هدف کلی نهایی، ارتقاء میزان دل‌بستگی ساکنین و پایداری محله‌های مرکزی می‌باشد.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر پیمایشی از نوع توصیفی - تطبیقی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و پرسشنامه می‌باشد که بر اساس مرور مستندات مربوط به پژوهش‌های بارز و جدید در زمینه نحوه سنجش دل‌بستگی مکان صورت گرفته است. در عین حال مطالعات مقدماتی میدانی نیز به منظور شناخت بیشتر موقعیت محل و بررسی مسائل کالبدی و اجتماعی آن برای انتخاب نمونه محله مرکزی صورت پذیرفته است. نمونه‌گیری ساکنین به روش خوشه‌ای از هر کوی محله به تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب شده‌اند. در بررسی حاضر، متغیر وابسته دل‌بستگی مکان (ابعاد شناختی، عاطفی) و متغیرهای مستقل، مقیاس مکان (محله و شهر) می‌باشند. پرسشنامه مشتمل بر دوازده آیتم (هر آیتم بر اساس مقیاس ۵ نقطه‌ای) است که این آیتم‌ها بر اساس هر سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری دل‌بستگی مکان می‌باشد که در نمودار تعدیل یافته مدل سه‌گانه دل‌بستگی مکان (Scannell & Gifford, 2010) ارائه شده است. همچنین سؤالات عوامل فردی - اجتماعی برای آزمون تأثیر عوامل فردی بر دل‌بستگی ساکنین به محله و شهر خود در ابتدای پرسشنامه مطرح شد. تجزیه و تحلیل پرسشنامه به کمک تکنیک‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. در بررسی وجود ارتباط معناداری بین دل‌بستگی مکان و مقیاس مکان (محله و شهر) و نیز بین ابعاد (شناختی و عاطفی) دل‌بستگی به مکان، تحلیل رگرسیون چند متغیره، تحلیل Anovas و آزمون F-values به کار گرفته شد.

۲. معرفی نمونه موردی: محله سرخاب (سید حمزه) شهر تبریز

محله سرخاب با داشتن دروازه و کوهی بدین نام و نیز بدلیل قدمت و استقرار در هسته تاریخی شهر و حفظ ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی سنتی خود به عنوان محله مرکزی تاریخی انتخاب شد. کوی سرخاب به جهت انتساب به شاعران، عالمان و عارفان از درجه اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده‌اند. زیرا بسیاری از شاعران، عالمان و عارفانی که در این محله زندگی کرده‌اند، پس از مرگ نیز بنا به وصیت خود در آن دفن شده‌اند و این خود گواه بر این واقعیت است که هر کدام از این طبقات در هر عصری خود را منتسب به محله ذکر شده دانسته و از این جهت بر خود می‌بالیدند.

شکل ۱: نقشه محدوده محله سرخاب با اشاره به مکان دروازه آن (سمت راست) و تصویری از محله سرخاب (سمت چپ)



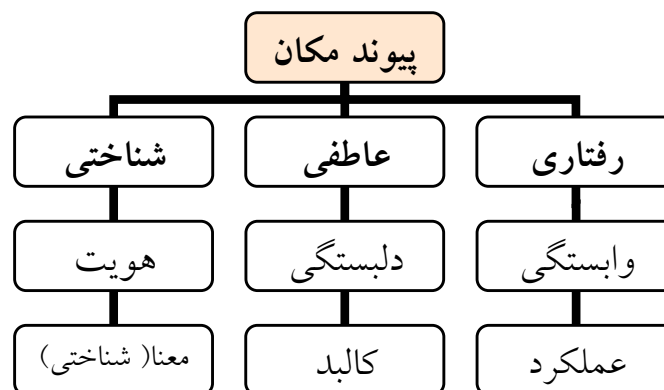
(Detailed Studies of Tabriz, 2008)

۳. مبانی نظری

۳-۱- اهمیت دلبستگی مکان^۱

از نظر جغرافیای انسانی، پیوند با فضای پرمعنی یا «حس مکان»، رابطه مؤثر همگانی است که نیازهای اساسی انسان را تأمین می‌کند. برخی نویسندگان حس مکان را شامل ۳ زیرمفهوم هویت مکان، دلبستگی مکان و وابستگی مکان^۲ می‌دانند. (Jorgensen & Stedman, 2001). دلبستگی مکان: یک پیوند عاطفی میان شخص و یک مکان ویژه است. دلبستگی مکان برای روانشناسی حوادث (Brown & Perkins, 1992)، مهاجرت (Ng, 1998) و جابه‌جایی^۳ (Giuliani et al., 2003) به کار برده می‌شود (Altman & Low, 1992). هویت مکان: باور به محدوده‌هایی که مکان در خود انعکاس می‌دهد (Jorgensen & Stedman, 2001). وابستگی مکان: محدوده‌ای که مکان مجموعه‌ای از عینیات را در مقایسه با دیگر محیط‌های متفاوت تسهیل می‌بخشد (Williams & Vaske, 2003). استدمن و جرگنسن^۴ نشان دادند که دلبستگی مکان انعکاسی از عنصر عاطفی است، هویت مکان انعکاسی از عنصر شناختی می‌باشد و وابستگی مکان با عنصر رفتاری معادل است.

شکل ۲: ابعاد پیوند مکان و دلبستگی مکان



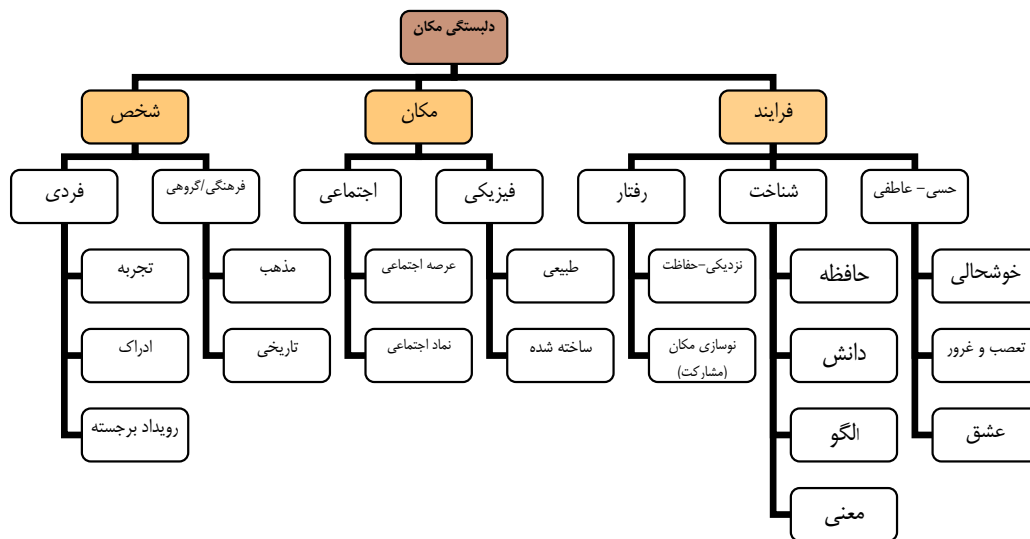
(براساس نظریات Nielsen-Pincus, 2010)

مانزو عنوان کرده که «این واقعاً خود مکان نیست که مهماست، بلکه بیشتر آن چیزی که می‌توان «تجربه در مکان» نامید، معنا ایجاد می‌کند» (Manzo, 2005). توآن^۵ (1974) کلمه «توپوفیلیا» یا «عشق مکان» را برای ارتباط و تعلقات مکانی به کار برد. رلف^۶، دلبستگی مکان را به عنوان پیوند عاطفی با محیط که نیازهای اساسی انسان را تأمین می‌کند، تعریف کرد. اغلب تعاریف آن‌ها، دلبستگی مکان را در موضوعات حسی^۸ توصیف می‌کند. مانند سرمایه گذاری عاطفی در یک مکان (Hummon, 1992) یا «احساس» تعصب و غرور و حس عمومی سلامتی و بهزیستی (Brown et al., 2003). فولیلو^۹ در سال ۱۹۹۶ نشان داد که آشنائیت به عنوان عنصر شناختی دلبستگی مکان است، برای دلبسته شدن باید جزئیات محیط را شناخت و سازمان داد.

۲-۳- چارچوب دلبستگی مکان (PPP)^{۱۰}

دلبستگی مکان متشکل از چارچوب سازمان یافته سه بعدی (فرد- فرآیند- مکان) می‌باشد که بعد فردی دلبستگی مکان به معانی و مفاهیم تعیین شده فردی یا جمعی بر می‌گردد. بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی را شامل می‌شود. بعد مکان، بر ویژگی‌های مکان شامل سطح فضایی، خصوصیات ویژه و برجستگی عناصر فیزیکی یا اجتماعی تأکید دارد (Scannell & Gifford, 2010).

شکل ۳: مدل سه گانه دلبستگی مکان



(Scannell & Gifford, 2010)

۳-۳- تأثیر عوامل فردی بر دلبستگی مکان

میزان دلبستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است. داوی در این باره می‌گوید: «مکان‌ها انعکاس دهنده هویت‌ها، تفاوت‌ها و رقابت در گروه‌های مختلف بر اساس جنسیت، طبقه، مذهب، قوم، فرهنگ و نشان دهنده گرایش‌های سیاسی افراد، قدرت، آزادی، علائق، نظام اجتماعی و علایق مشترک در انگیزه مصرف‌اند» (Dovey, 1999). قوی‌ترین تأثیر در یکسری از مطالعات، سن یک شاخص مستقل مثبت دلبستگی مکان است (Shamai & Ilatov, 2005). قوی‌ترین تأثیر غیرمستقیم سن از طریق مدت سکونت می‌باشد. گیلیس در آزمون تأثیرات اندازه ساختمان بر دلبستگی یافته که آن وابسته به جنسیت مشارکت کنندگان است: خانم‌ها دلبستگی بیشتری دارند و آقایان برعکس (Gillis, 1977). در مطالعه بنیتو^{۱۱} در سال (1999) اندازه خانواده، شاخص منفی دلبستگی مکان می‌باشد. براون یافته که وضعیت ازدواج، شاخص مثبت، اما داشتن بچه، شاخص منفی برای دلبستگی خانه است (Brown et al., 2003). در کل، اطلاعات به طور سازگاری وضعیت خانواده را با دلبستگی مکان مرتبط نمی‌سازد، اطلاعات درباره ارتباط بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی^{۱۲} (SES) (درآمد، آموزش) و دلبستگی مکان، تصویر ناسازگاری را نشان می‌دهد. درآمد و آموزش بالاتر، گاهی همراه با دلبستگی بالاتر است. اما اغلب ارتباط منفی را نشان می‌دهد (Fried, 2000 & Lewicka, 2005).

۴-۳- دلبستگی مکان و هویت

پروشانسکی هویت مکان را به عنوان «آن ابعادی از خود که هویت شخصی فرد را تعریف می‌کند و در ارتباط با محیط فیزیکی به کمک الگوی پیچیده‌ای از ایده آل‌های هوشیار و غیر هوشیار، باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و تمایلات رفتاری و مهارت‌های مرتبط با این محیط می‌باشد»، تعریف کرد (Proshansky, 1978). مطابق با نظریات هرناندز^{۱۳} و همکاران در سال ۲۰۰۷ حداقل ۵ دیدگاه متفاوت بر ارتباط بین دلبستگی مکان و هویت مکان مطابق جدول در ادبیات وجود دارد.

جدول ۱: دیدگاه‌های مرتبط در مورد بر ارتباط بین دلبستگی مکان و هویت مکان

نویسنده / سال	دیدگاه‌های مرتبط در مورد ارتباط بین دلبستگی مکان و هویت مکان
براون و ورنر ^{۱۴} /۱۹۸۵	دلبستگی و هویت مکان به صورت مفهوم مشترک
لالی ^{۱۵} /۱۹۹۲	دلبستگی مکان جزئی از هویت مکان
جرگنسن و استدمن ^{۱۶} /۲۰۰۱	دلبستگی و هویت مکان ابعادی از یک مفهوم مرتبه بالاتر
کیل، گرافی و مانینگ ^{۱۶} /۲۰۰۵	هویت مکان جزئی از دلبستگی مکان
هرناندز ^{۱۷} /۲۰۰۷	دلبستگی و هویت مکان دو روش متفاوت ارتباط با مکان‌ها

بر اساس نظریات (Hernandez, 2007)

دلبستگی مکان و هویت مطابق با برخی متغیرهای فردی مانند جنسیت، سن، سطح آموزش نیز می‌توانند متفاوت باشند.
۱- جنسیت: در مطالعه‌ای که بر یک نمونه ایتالیایی انجام گرفته، جنسیت به‌طور مثبت بر ارتباطات محلی تأثیر می‌گذارد (Prezza et al., 2001).

۲- سن: نقش مهمی را هم برای دلبستگی مکان و هم هویت مکان ایفا می‌کند. اما معمولاً تأثیرات آن توسط مدت سکونت میانجیگری می‌شود (Knez, 2005 & Lewicka, 2005).

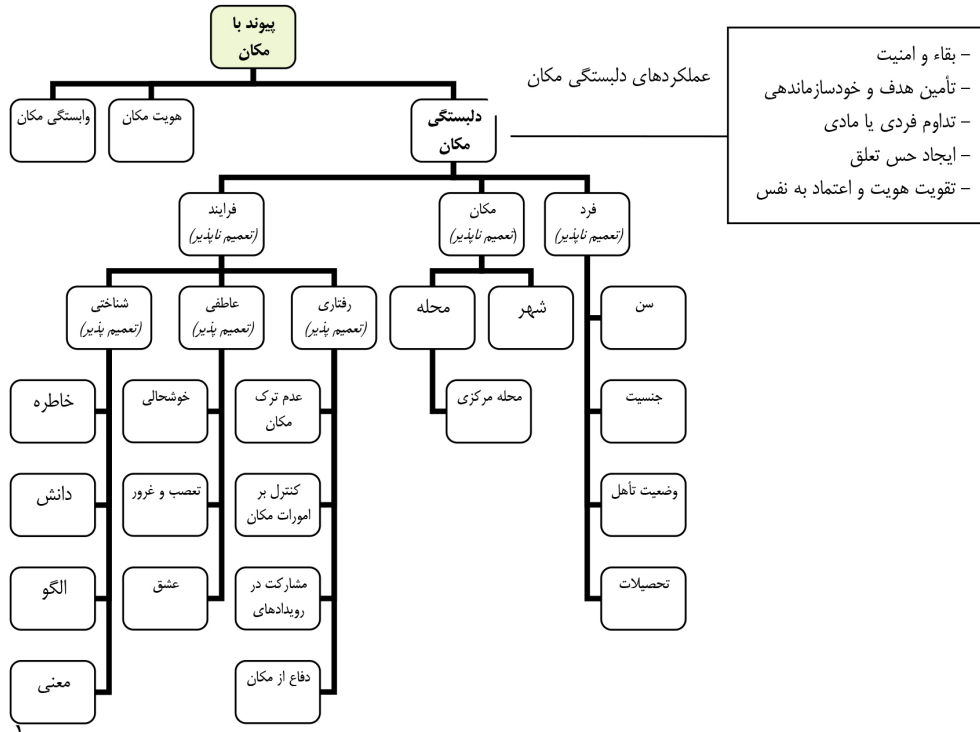
۳- سطح آموزش: مش و مانور^{۱۷} در سال ۱۹۹۸ نشان داده که مردم تحصیل کرده، تعصب و غرور بیشتری نسبت به محله دارند و احتمالاً از جابه‌جایی و انتقال از آن مکان اظهار تأسف کنند. لویکا^{۱۸} نیز در سال ۲۰۰۵ یافته که سطح آموزش یک عامل منفی دلبستگی مکان است. بدین صورت که افرادی با تحصیلات بالاتر، از نظر جغرافیایی بیشتر در حال جابه‌جایی اند. بنابراین وابستگی کمتری بر مکان ویژه دارند. همچنین تارتاگلیا^{۱۹} در سال ۲۰۰۹ به این نتیجه رسید که جابه‌جایی سطح آموزشی به صورت منفی بر هویت مکان تأثیر می‌گذارد.

۵-۳- اعتبار^{۲۰} و تعمیم‌پذیری^{۲۱} سنجش دلبستگی به مکان

اندازه‌گیری معتبر دلبستگی مکان باید نه تنها میان مردم با سطوح مختلف دلبستگی برای مکان مشخص، متفاوت باشد، بلکه باید سطوح دلبستگی که فرد برای مکان‌های متنوع به دست می‌آورد، نیز متفاوت باشد. در مورد دلبستگی مکان، سه شکل متفاوت (افراد، ابعاد و مناطق) و یک شکل تعمیم‌پذیر (آیتم‌های موجود در ابعاد) وجود دارد. برای سنجش مدل دلبستگی مکان بر اساس چارچوب نظری تحقیق حاضر، از تعدیل یافته نمودار مدل سه‌گانه دلبستگی مکان (Scannell & Gifford, 2010)، آیتم‌هایی مبنی بر سه فرآیند شناختی (حافظه، دانش، الگو و معنی)، عاطفی (تعصب و غرور، خوشحالی، عشق) و رفتاری (عدم ترک مکان، کنترل بر امورات مکان، مشارکت در رویدادهای مکان، دفاع از مکان) دلبستگی مکان و همچنین نتایج دلبستگی مکان (حس امنیت) در سنجش مدل در نظر گرفته شد. پرسشنامه‌ای مشمول بر دوازده آیتم (ذکر شده در بخش یافته‌ها) در دو مقیاس محله و شهر ارائه شد. علاوه بر این آیتم‌ها، تأثیر عوامل فردی نیز در مبانی نظری تحقیق حاضر بر اساس تحقیقات مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و در سنجش مدل تحقیق، قبل از ارائه دوازده آیتم دلبستگی مکان، تعدادی عوامل فردی (سن، جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات) نیز مطرح شد.

بررسی تعمیم‌پذیری سنجش دلبستگی مکان در سه بعد (فرآیند، مکان و شخص) نشان داد که تعمیم‌پذیری میان مکان‌ها، افراد و سه فرآیند (شناختی، عاطفی و رفتاری) برقرار نیست. تنها در میان آیتم‌های موجود در هر سه فرآیند (شناختی: چهار آیتم؛ عاطفی: سه آیتم؛ رفتاری: چهار آیتم) معتبر و تعمیم‌پذیر می‌باشد. برای سنجش سطوح تعمیم‌پذیری و اعتبار آیتم‌های (سوالات) پرسشنامه و در کل اعتبار و پایایی تحقیق حاضر، آیتم‌های هر سه فرآیند شناختی، عاطفی و رفتاری با توجه به اجزای واریانس محاسبه شد و نشان داد که پرسشنامه از اعتبار و تعمیم‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشد.

شکل ۴: مدل مفهومی تحقیق از جمع بندی مبانی نظری



۴. یافته‌ها

با توجه به اینکه تحقیق در پی آزمون ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دلبستگی مکان در محله مرکزی تبریز در دو مقیاس محله و شهر می باشد. ابتدا آزمون ضریب آلفای کرونباخ برای هر دوازده سؤال پرسشنامه، برای دو مقیاس محله و شهر محاسبه شد و ضرایب $0/788$ و $0/783$ به ترتیب برای مقیاس شهر و محله، نشان از روایی و پایایی سؤالات آزمون می باشد.

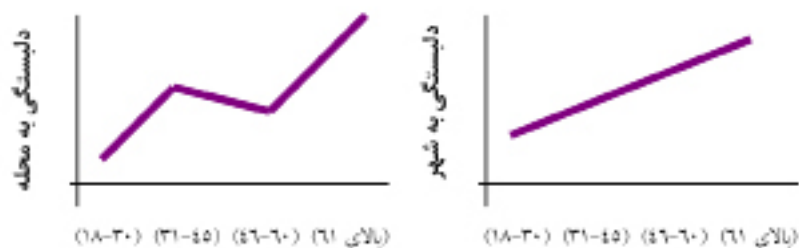
جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ برای سؤالات پرسشنامه در مقیاس محله و شهر

تعداد آیتم‌ها	ضریب آلفای کرونباخ (شهر)
۱۲	$0/788$
تعداد آیتم‌ها	ضریب آلفای کرونباخ (محله)
۱۲	$0/783$

۴-۱- تأثیر عوامل فردی بر دلبستگی مکان

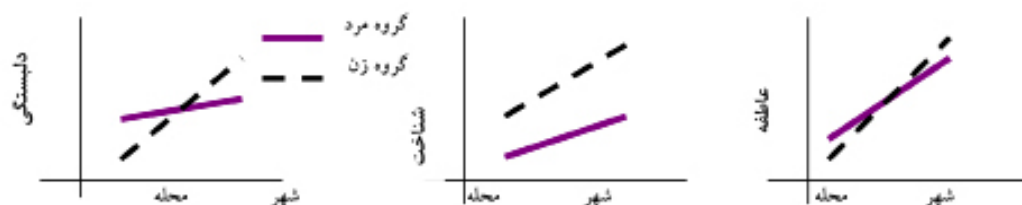
سن: به کمک آزمون میانگین چندجمعه Anova تأثیر چهار گروه سنی (۱۸-۳۰)، (۳۱-۴۵)، (۴۶-۶۰)، (بالای ۶۱) بر دلبستگی به محله و شهر بررسی شد. بین دلبستگی به شهر و گروه‌های سنی، رابطه خطی برقرار است. یعنی با افزایش سن، دلبستگی به شهر افزایش می‌یابد. دلبستگی به محله و شهر در گروه سنی بالای ۶۱ سال بیشترین و در گروه‌های سنی (۱۸-۳۰) کمترین میزان می‌باشد. همچنین سن بر شناخت و عاطفه شهر ارتباط معنی‌داری دارد. شناخت شهر در گروه سنی (۱۸-۳۰) کمترین میزان می‌باشد. بنابراین شناخت و عاطفه شهر در گروه‌های سنی پایین‌تر، کمترین میزان می‌باشد. این نتایج مطابق با یافته‌های شامای و ایلیتو می‌باشد که سن را شاخص مستقل مثبت دلبستگی مکان می‌دانند (Shamai & Ila-tov, 2005).

شکل ۵: نمودارهای ارتباط بین گروه‌های سنی و دلبستگی به دو مقیاس محله و شهر



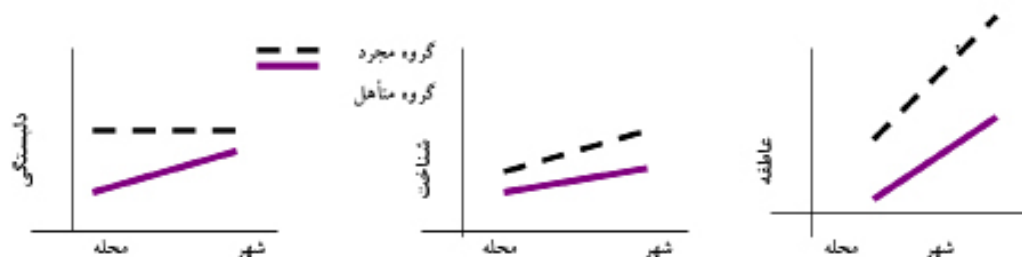
جنسیت: شکل‌ها نشان می‌دهند که میزان ابعاد شناختی، عاطفی و دلبستگی در مقیاس شهر در گروه زنان بیشتر از مردان می‌باشد. این یافته، نتایج تحقیقات انجام یافته توسط گیلیس را کامل تأیید نمی‌کند (Gillis, 1977). چون در مقیاس محله، میزان عاطفه و دلبستگی در گروه مردان بیشتر از زنان می‌باشد، اما میزان شناخت در گروه زنان بیشتر از مردان است.

شکل ۶: ارتباط بین جنسیت و دلبستگی (ابعاد شناختی و عاطفی) به دو مقیاس محله و شهر



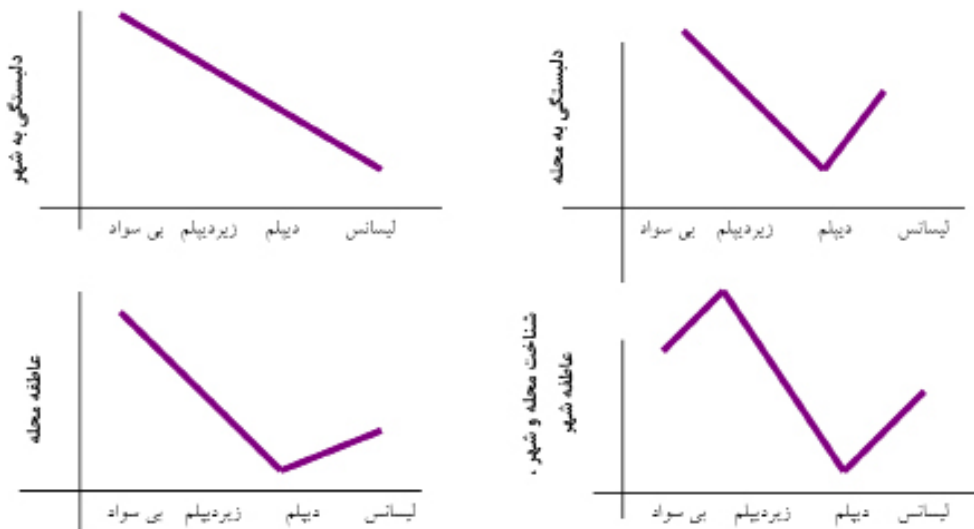
وضعیت تأهل: بین وضعیت تأهل و دلبستگی به دو مقیاس تفاوت معنی‌داری برقرار هست، شناخت، عاطفه و دلبستگی به هر دو مقیاس بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد می‌باشد. این یافته نیز در هماهنگی با یافته براون بوده که وضعیت ازدواج را شاخص مثبت برای دلبستگی می‌داند (Brown et al., 2003).

شکل ۷: ارتباط بین وضعیت تأهل و دلبستگی (ابعاد شناختی و عاطفی) به دو مقیاس محله و شهر



تحصیلات: با افزایش تحصیلات، دل‌بستگی به شهر کاهش می‌یابد. این نتایج مطابق با یافته‌های فراید و لویکا می‌باشد که اغلب ارتباط منفی را بین تحصیلات و میزان دل‌بستگی نشان دادند (Fried, 2000 & Lewicka, 2005). در میان گروه‌های بی‌سواد، عاطفه و دل‌بستگی به محله بیشترین میزان و در میان گروه‌های دیپلم، کمترین میزان است، بررسی شکل‌ها نشان می‌دهد که کمترین میزان دل‌بستگی و شناخت محله در میان گروه‌های دیپلم و بیشترین میزان دل‌بستگی به محله و شهر در میان گروه‌های بی‌سواد می‌باشد.

شکل ۸: ارتباط بین وضعیت تحصیلات و دل‌بستگی به دو مقیاس محله و شهر



۲-۴- میانگین دل‌بستگی، شناخت و عاطفه در هر دو مقیاس

آزمون میانگین یک جامعه (One-Sample T-Test)

نتایج آزمون میانگین یک جامعه نشان داد که میزان دل‌بستگی، شناخت و عاطفه در مقیاس شهر بیشتر از محله می‌باشد. (برای بعد شناخت، ضریب همبستگی بین محله و شهر بیشترین، اما برای بعد عاطفه و دل‌بستگی، ضریب همبستگی بین محله و شهر کمترین می‌باشد). بیشترین ضریب همبستگی بین عاطفه و دل‌بستگی و سپس بین شناخت و دل‌بستگی می‌باشد. از طرفی احساس امنیت در محله بیشتر از شهر نشان داده شده است. این نتیجه، یافته‌های لویکا را تأیید می‌کند که با افزایش مقیاس، میزان احساس امنیت کاهش می‌یابد (Lewicka, 2005). بررسی داده‌ها و نمودارها نشان می‌دهد که برای هر دو مقیاس محله و شهر این رابطه برقرار است:

$$\text{شناخت} < \text{دلبستگی} < \text{عاطفه}$$

جدول Anova نیز نشان می‌دهد که وقتی $\text{sig}=0$ هست، حداقل یکی از متغیرهای مستقل، رابطه خطی با متغیر وابسته (دل‌بستگی به محله و شهر) دارد. هر چقدر قدر مطلق ضرایب بتا بزرگتر باشد، رابطه قوی‌تر متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

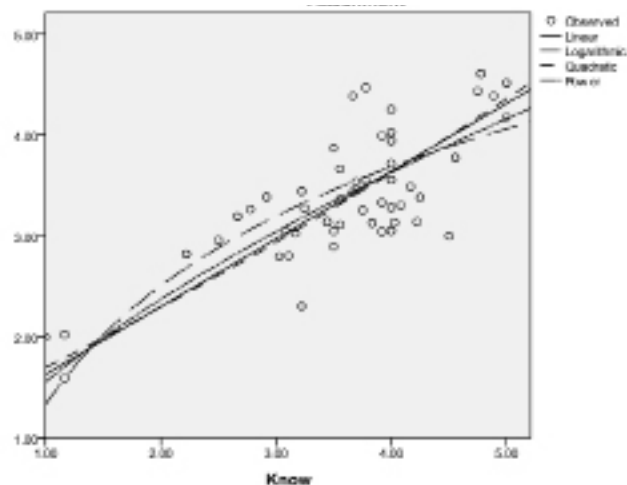
نمودارهای Anova ذیل نشان می‌دهند که بین شناخت، عاطفه و احساس امنیت محله و دل‌بستگی به محله ارتباط خطی برقرار است ($\text{sig}=0$). با توجه به ضرایب بتا در نمودارهای ذیل، بیشترین تأثیر در دل‌بستگی محله مربوط به شناخت محله با ضریب (۰/۴۴۴) و سپس عاطفه محله با ضریب (۰/۴۲۰) می‌باشد، همچنین در مقیاس شهر نیز بیشترین تأثیر برای شناخت شهر (۰/۵۴۲) و سپس عاطفه شهر (۰/۳۱۰) می‌باشد. بنابراین برای ارتقاء میزان دل‌بستگی به محله و شهر بیشترین عامل تأثیرگذار به ترتیب بعد شناختی و سپس بعد عاطفی می‌باشد. اما عامل احساس امنیت از نظر تأثیرگذاری برای دل‌بستگی به هر دو مقیاس، در درجه اهمیت پایین‌تری نسبت به بعد شناختی و عاطفی قرار دارد.

جدول ۳: جدول Anova و ضریب همبستگی بین ابعاد شناختی و عاطفی دلبستگی و احساس امنیت در مقیاس محله

مدل (محله)	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	آماره تی	معنی داری
	بی	خطای استاندارد	بتا		
ثابت	-۰/۰۲۷	۰/۰۰۵		-۵/۸۵۸	۰/۰۰۰
شناختی محله	۰/۲۹۶	۰/۰۰۱	۰/۴۴۴	۲۹۰/۸۱۳	۰/۰۰۰
عاطفی محله	۰/۳۰۶	۰/۰۰۱	۰/۴۲۰	۲۱۷/۲۸۶	۰/۰۰۰
احساس امنیت محله	۰/۰۷۴	۰/۰۰۱	۰/۱۲۶	۱۰۹/۸۸۵	۰/۰۰۰

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که در محله مرکزی سرخاب، میزان ابعاد شناختی، عاطفی و دلبستگی نسبت به شهر بیشتر از محله می‌باشد. بدین ترتیب میزان بعد شناختی در هر دو مقیاس محله و شهر نسبت به ابعاد دیگر بیشتر و مؤثرتر بر دلبستگی محله و شهر می‌باشد. این نشان می‌دهد که بین بعد شناختی و عاطفی دلبستگی به محله ارتباط مستقیمی وجود دارد. این ارتباط به شکل خطی صعودی برقرار است که میزان آن در مقیاس شهر بیشتر از محله می‌باشد.

شکل ۹: نمونه ارتباط خطی بین بعد شناخت و دلبستگی در مقیاس محله



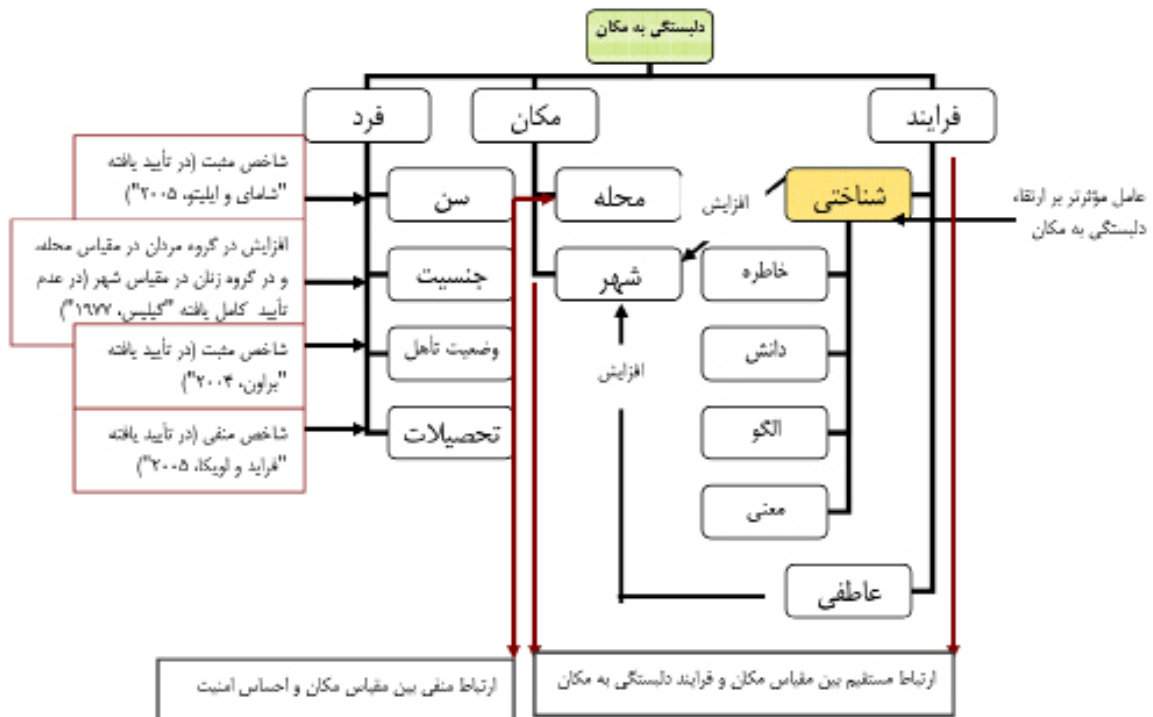
از طرفی تحلیل داده‌ها نشان داد که به ترتیب شناخت و سپس عاطفه بیشترین تأثیر را بر دلبستگی به محله و شهر دارد. با توجه به اینکه مطالعات و تحقیقات مختلفی بر بالا بودن میزان علاقه و دلبستگی ساکنین به محله‌های مرکزی-تاریخی در چندین دهه اخیر تأکید داشتند (Lewicka, 2005). اما تحقیق حاضر تأکیدی بر توجه الزامی به عوامل مؤثر بر ارتقاء دلبستگی به محله به خصوص در محله‌های مرکزی و تاریخی (برای احیاء و پایداری این محله‌ها) و تقویت تصویر ذهنی ساکنین از محله دارد. در مورد تأثیر عوامل فردی بر میزان دلبستگی، با افزایش سن، میزان دلبستگی به شهر ارتقاء می‌یابد و با افزایش تحصیلات، میزان دلبستگی به شهر کاهش می‌یابد.

۵. نتیجه گیری

دل بستگی مکان از چارچوب سازمان یافته سه بعدی (شخص - فرآیند - مکان) تشکیل یافته است. بعد فردی دل بستگی مکان به معانی و مفاهیم تعیین شده فردی یا جمعی، بعد مکانی به عناصر فیزیکی و اجتماعی بر می گردد و بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دل بستگی را شامل می شود. برای تعمیم پذیری سنجش دل بستگی به مکان، سه شکل متفاوت (افراد، ابعاد و مناطق) و یک شکل تعمیم پذیر (آیتم های موجود در ابعاد) وجود دارد. علی رغم اینکه مطالعات و تحقیقات مختلفی در چندین دهه اخیر مبنی بر بالا بودن میزان علاقه و دل بستگی ساکنین به محله های مرکزی وجود دارد، اما تحقیق حاضر توجه ویژه ای بر مشکل حاضر بیشتر محله های مرکزی - تاریخی دارد تا از مدل دل بستگی به مکان به عنوان راه حلی برای احیاء و پایداری محله های مذکور ارائه نماید. نتایج یافته ها نشان می دهد که در محله مرکزی، میزان شناخت، عاطفه و در کل دل بستگی در مقیاس شهر بیشتر از محله می باشد (ارتباط خطی صعودی با مقیاس مکان). این یافته تأکید بیشتری بر مقیاس محله، بیشتر از مقیاس شهر با هدف ارتقاء دل بستگی ساکنین به محله به خصوص محله های مرکزی دارد. یافته های آزمون های میانگین نشان می دهد که برای ارتقاء دل بستگی به محله، شناخت محله بیشتر تأثیرگذار است. بنابراین نتایج این یافته ها به منظور ارتقاء میزان دل بستگی به محله های مرکزی، توجه بیشتری بر بعد کالبدی محله و تقویت تصویر ذهنی ساکنین از محله را از سوی متخصصین و برنامه ریزان شهری می طلبد.

در این میان عوامل فردی نیز ارتباط سازگاری را با میزان دل بستگی به محله و شهر ارائه می دهند: با افزایش سن، دل بستگی به شهر افزایش می یابد، بدین معنی که حضور گروه های سنی بالا، دلیلی بر افزایش دل بستگی به شهر در محلات مرکزی می باشد. این نتایج مطابق با یافته های شامای و ایلیتو می باشد که سن را شاخص مستقل مثبت دل بستگی مکان می دانند (Shamai & Ilatov, 2005). در مقیاس شهر، شناخت و دل بستگی در میان گروه زنان بیشتر اما در مقیاس محله، گروه مردان بیشتر است. این یافته، نتایج تحقیقات انجام یافته توسط گیلیس را کامل تأیید نمی کند (Gillis, 1977). به عبارت دیگر، حضور بیشتر گروه زنان در محله، دلیلی بر بالا بودن میزان شناخت و دل بستگی به محله خواهد بود. با افزایش تحصیلات، دل بستگی به شهر کاهش می یابد. این نتایج مطابق با یافته های فراید و لویکا می باشد که اغلب ارتباط منفی را بین تحصیلات و میزان دل بستگی نشان دادند (Fried, 2000 & Lewicka, 2005).

شکل ۱۰: نتایج یافته های تحقیق



راهکارهای کاربردی مدل دلبستگی به مکان در نمونه مناطق سکونتی به خصوص بافت‌های تاریخی- فرهنگی ایران می‌طلبد که با توجه به شاخص‌های بعد شناختی مدل (با مراجعه به شکل ۱۰)، نیاز می‌باشد که به ایجاد فضاهای خاطره‌انگیز (نظر به پیشینه تاریخی و رویدادها و حوادث مهم محله) از جمله با اجرای برنامه‌ها و نمایش‌های جمعی در مرکز محله تأکید شود (خاطره). همچنین ارتقاء دانش تاریخی مردم درباره مکان سکونتی خود با کمک رسانه‌ها و ایجاد جلسات مشارکت اجتماعی در بالا بردن سطح آگاهی مردم از این مکان‌های باارزش تاریخی، نقش مؤثری بر ارتقاء دلبستگی ساکنین به محله سکونتی خود خواهند داشت (دانش). از طرفی خوانا کردن فضاهای کالبدی برای تقویت تصویر ذهنی و ادراکی مردم از محله‌ها به عنوان نمونه، حذف کاربری‌های نامتجانس، ایجاد روشنایی کافی در فضاها با هدف افزایش احساس امنیت، تعادل و تجانس توده و فضا به ویژه افزایش فضاهای باز، ایجاد فضاهای سبز، کاهش محصوریت و محدودیت دید به خاطر شکل کنج‌ها و پیچ‌ها در پیچ‌بودن مسیرهای باریک، طولانی و بن‌بست و غیره (الگو یا طرح‌واره)، همچنین حفظ و احیاء ارزش‌های تاریخی و فرهنگی محله‌ها در نمونه موردی تحقیق حاضر، به عنوان نمونه احیاء مرکز محله، احیاء و بهسازی بارو، دروازه و بازارچه سرخاب، بهسازی تک‌بناهای تاریخی، باعث حفظ هویت و ایجاد اعتماد به نفس (از نتایج دلبستگی به مکان) در ساکنین محله‌ها می‌باشد و محله‌های تاریخی را برای ساکنین خود معنی‌دار می‌نماید (معنی).

پی‌نوشت

1. Place Attachment
2. Place Appendence
3. Mobility
4. Stedman & Jorgensen
5. Tuan
6. Relph
7. Topophilia
8. Affective
9. Fullilove
10. Place & Person & Process
11. Bonaiuto
12. Social- economic Status
13. Hernandez
14. Brown & Werner
15. Lalli
16. Kyle, graefe & Mannin
17. Mesch & Manor
18. Lewika
19. Tartaglia
20. Validity
21. Generalizability

References

- Altman, I. & Low, S. (1992). *Place Attachment*. New York. Plenum Press.
- Brown, B.B & Perkins, D.D. (1992). Disruptions in Place Attachment, In I. Altman and Low (Eds), *Place Attachment*, New York, Plenum.
- Brown, B., Perkins, D. D., Brown, G. (2003). Place Attachment in a Revitalizing Neighborhood: Individual and Block Levels of Analysis, *Journal of Environmental Psychology*, (23), 259-271.
- Daneshpour, S.A., Sepehri Moqaddam, M. & Charkhchian, M. (2009). Explanation to "Place Attachment" and Investigation of its Effective Factors, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, (38), 37-48.
- Dovey, K. (1999). *Framing places: Mediating Power in Built Form*, London, Routledge.
- Fried, M. (2000). Continuities and Discontinuities of Place. *Journal of Environmental Psychology*, (24), 43-52.
- Gillis, A. R. (1977). High-rise Housing and Psychological Strain. *Journal of Health and Social Behavior*, (18), 418-431.
- Giuliani, M., Ferrara, F., & Barabotti, S. (2003). *One Attachment or More?* Ashland. OH: Hogrefe & Huber.
- Hernandez, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (200). Place Attachment and Place Identity in Natives and Non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, (27), 310-319.
- Hummon, D.M. (1992). Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place. In I. Altman; Low, S.M., eds. *Place Attachment*, 253-278. NY: Plenum Press.
- Jorgensen, B.S. & R.C.Stedman. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward their Properties, *Environmental Psychology*, (21), 233-248.
- Lewicka, M. (2005). Ways to Make People Active: The Role of Place Attachment, Cultural Capital, and Neighborhood Ties. *Journal of Environmental Psychology*, (25), 381-395.
- Manzo, L. C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning, *Journal of Environmental Psychology*, (25), 67-86.
- Nielsen-Pincus, M., Hall, T., Ellen Force, J., & Wulforth, J.D.(2010). Socio Demographic Effects on Place Bonding, *Journal of Environmental Psychology*, (30), 443-454.
- Proshansky H.M. (1978). The City and the Self Identity, *Environment and Behavior*, 10 (2), 147-169.
- Prezza, M., Amici, M., Roberti, T., & Tedeschi, G. (2001). Sense of Community Referred to the Whole Town: Its Relations with Neighboring, Loneliness, Life Satisfaction and Area of Residence. *Journal of Community Psychology*, (29), 29-52.
- Sanders, S., Bowie, S. L., & Bowie, Y. D. (2003). Lessons Learned on Forced Relocation of Older Adults: The Impact of Hurricane Andrew on Health, Mental Health, and Social Support of Public Housing Residents. *Journal of Gerontological Social Work*, (40), 23-35.
- Sennett, R. (2000). *New Capitalism, New Isolation: A flexible City of Strangers*. Le Monde Diplomatique. (English Edition).
- Scannell, L. & Gifford, R. (2010). Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework, *Journal of Environmental Psychology*, (30), 1-10.
- Shamai, S., & Ilatov, Z. (2005). Measuring Sense of Place: Methodological Spects, *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 96(5), 467-476.
- Williams, D.R. & Vaske, J.H. (2003). The Measurement of Place Attachment: Validity and Generalizability of a Psychometric Approach, *Forest Science*, 49(6), 830-840.